



نظریاتی درباره تاریخ نگارش در فلات ایران^۱

فرانسوا دوسه

ترجمه: درسا عبدالعظیمی^۲

دانشجوی مقطع کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده:

در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد، ایران به همراه مصر و میان‌رودان به عنوان زادگاه نگارش در جهان شناخته می‌شدند. در اینجا پیشنهاد می‌شود که خط آغاز ایرانی و نگارش ایلامی سطری (آغاز ایرانی جدید) نه به عنوان دو سیستم نوشتاری متفاوت بلکه به عنوان یک سیستم با دو مرحله متفاوت از نظر سیر تکاملی در نظر گرفته شوند. تاریخچه نگارش در ایران، بین ۳۵۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م در ۶ فاز قابل درک و بررسی است: I- ۳۵۰۰-۳۳۰۰ ق.م، II- ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م، III- ۲۹۰۰/۳۰۰۰ تا ۲۳۰۰ ق.م، IV- ۲۳۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م، V- ۲۰۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م، VI- ۱۸۵۰ ق.م به بعد.

کلمات کلیدی:

ایران، عصر مفرغ، خط آغاز ایلامی، ایلامی سطری، مدل و سیستم نوشتاری، هتمتی.



^۱ این مقاله ترجمه‌ای است از: Desset, François. "Considerations on the History of Writing on the Iranian Plateau (ca. 3500-1850 BC)." *Journal of Archaeology and Archaeometry* 1.1 (2022): 1-11.

^۲ ایمیل مترجم: Dorsaabdolazimi@gmail.com

مقدمه

مطابق با اسناد درون‌زا برای فلات ایران، پیشنهاد می‌شود استفاده از مفهوم توپومیکسی میان‌رودانی ایلام را زمانی که به فلات ایران از دیدگاه ساکنان خودش اشاره می‌شود، کنار بگذاریم (Dessset, 2017). با توجه به «ایلام» به عنوان یک سند، هیچ نمونه‌ای بهتر از ذهنیات خود ساکنان منطقه در به کار بردن اصطلاح فلات ایران وجود ندارد و بهترین اصطلاح همانی است که در ذهن مردم منطقه بوده و هیچ اصطلاح جدیدی، منظور را به درستی نمی‌رساند^۱ اما حتی فراتر از این، این اصطلاح به حدی ما را گمراه می‌کند که ممکن است تصور شود این واژه بازتاب‌دهنده ارزش تاریخی خاصی برای مردمی است که زمانی در این منطقه زندگی می‌کردند در حالی که چنین نبوده است؛ برعکس، معنا و مفهوم معماگونه «هتیمی» حداقل تا قرن ۲۲ ق.م و دوران پوزور- شوشیناک، می‌تواند نقش منبع و مرجع تاریخی، قومی و فرهنگی خاصی را داشته باشد. به این دلایل و با احترام به تمام کسانی که در این زمینه فعال و دخیل هستند، جهت مطالعه این بخش از تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک باستان با کمترین گمراهی‌ها، جانب‌داری‌ها و داشتن ابزاری برای تطابق بهتر^۲، واژه‌شناسی جدیدی پیشنهاد می‌شود:

واژه‌شناسی پیشین > واژه‌شناسی پیشنهادی

خط آغاز ایلامی > خط آغاز ایرانی قدیم ۳۳۰۰-۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م

? > خط آغاز ایرانی میانی ۲۳۰۰-۳۰۰۰/۲۹۰۰ ق.م

ایلامی سطری > خط آغاز ایرانی جدید ۲۳۰۰-۱۸۵۰ ق.م

زبان ایلامی > زبان هتیمی (سرزمین ایلام)

رمزگشایی اخیر خط ایرانی جدید، مفاهیم مهم زیادی را در تاریخ نگارش خاور نزدیک باستان به همراه دارد. به احتمال زیاد، نمی‌توان گفت، دو خط آغاز ایرانی قدیم و جدید از نظر سیستماتیک دو نوع متفاوت بودند بلکه از یک نوع بوده‌اند که در دو دوره زمانی متفاوت سیر تکاملی خود را طی کردند. در این بین خط ایرانی میانی نیز وجود داشته که البته مستندات ناچیزی از آن موجود است. این پیوند سیستماتیک و تداوم سنت نگارش در ایران از ۳۳۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م، می‌تواند باعث شود ما در سیری نزولی از رمزگشایی علائم خط ایرانی جدید به علائم گرافیکی و نشانه‌های خط ایرانی قدیم بازگردیم که

^۱ . متون آغاز ایرانی قدیم (آغاز ایلامی) و آغاز ایرانی جدید (ایلامی سطری) در بخشی از زمین که اتفاقاً امروزه ایران نامیده می‌شود، یافت شد. این اصطلاح و اصطلاحات مشابه، تغییر از "هیروگلیف‌های لووی" با بار زبانی به "هیروگلیف‌های آناتولی" از دید زبانی خنثی و کاملاً جغرافیایی است (Yakobovich 2010, 2015: p.203). برچسب «نوشته» «آغاز ایرانی» را به هیچ عنوان نباید به عنوان نشانه‌ای از ملی‌گرایی یا برای شعله‌ور کردن ملی‌گرایی تلقی کرد یا از آن استفاده کرد زیرا رسالت ما به عنوان محقق، دقیقاً برعکس است.

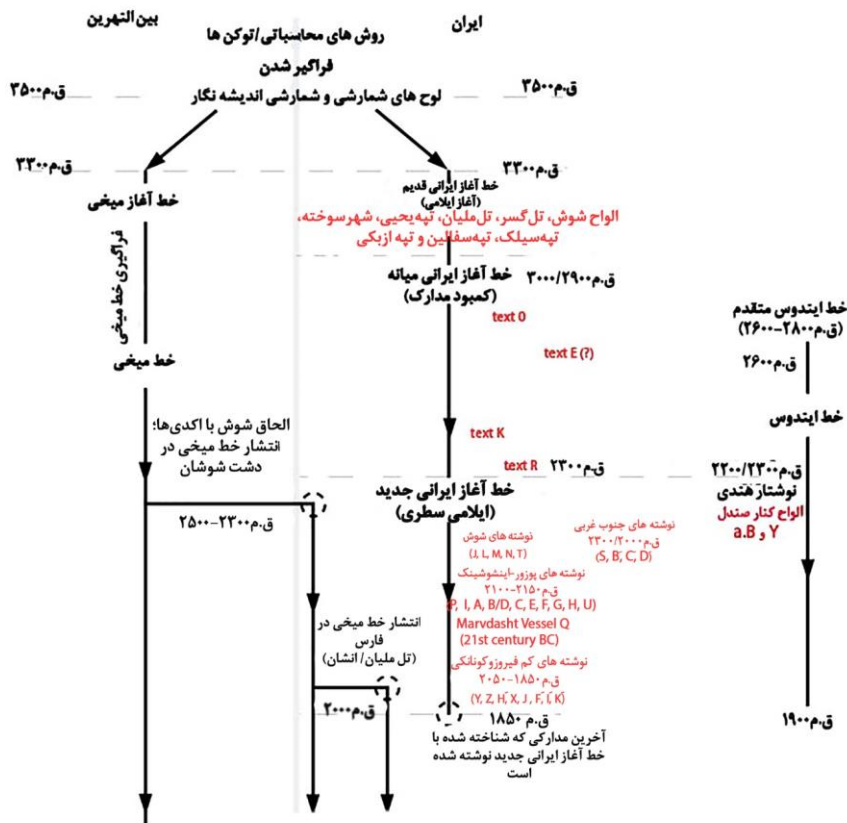
^۲ . همان‌طور که قبلاً توسط «Gelb, 1963» خطی ایلامی به عنوان «شکل توسعه یافته از آغاز ایلامی»، پیشنهاد شده بود و راینر این خط را (Reiner, 1969: 56) «شکل توسعه یافته‌تر این نوشته»، (Meriggi, 1971: 184 "quella delle tavolette di Englund, 2004: 75-78) (Steve, 2000: 75-78) و (Grillot, 2008: 9)؛ برای دیدگاه‌های مختلف رجوع کنید به: 143-144.



۳ / باستان پژوه، دوره ۲۱، زمستان ۱۴۰۱

آواهای مخصوص خود را داشته و در نهایت می‌توان به توالی‌های انسان‌شناسی که در لوح‌هایی به خط ایرانی قدیم در هزاره چهارم قبل از میلاد ثبت شده‌اند، پرداخت. مابین ۳۵۰۰ تا ۱۸۵۰ قبل از میلاد، تاریخ نگارش در ایران را می‌توان به ۶ فاز تقسیم و مطالعه نمود: I- ۳۵۰۰ تا ۳۳۰۰ ق.م، II- ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م، III- ۲۹۰۰/۳۰۰۰ تا ۲۳۰۰ ق.م، IV- ۲۳۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م، V- ۲۰۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م، VI- ۱۸۵۰ ق.م به بعد. همان‌طور که این طرح تاریخی (زمان‌بندی) اصلاح شده بر اساس مدارکی است که اکنون در دست و شناخته شده هستند انتظار بروز تغییرات و شگفتی‌هایی در آینده نیز می‌رود (تصویر ۱ و ۲).

الف. ۳۵۰۰ تا ۳۳۰۰ ق.م؛ فاز اول: لوح‌های عددی و عددی لوگوگرافیک ثابت شده است که در حدود ۳۵۰۰ قبل از میلاد، از سوریه تا فلات مرکزی ایران، در اشیاء شمارشی (توکن‌ها) و پاکت‌گلی، لوح‌های عددی و لوگوگرافیک از برخی نشانه‌های نمادین ارزشمند که بسیار کمیاب هستند، استفاده می‌شده است (که شاید با پیچیدگی اشیاء شمارشی در ارتباط باشد) و علائم ارزش عددی بر اساس ۳ سیستم عددی مجزا عمل می‌کنند: سیستم‌های شمارشی جنسیتی و دوجنسیتی برای اشیاء گسسته و سیستم ظرفیتی برای اشیاء غیر گسسته و متداوم. باید گفته شود که پاکت‌گلی و اشیاء شمارشی حتی بعد از ظهور نگارش مانند صحبت کردن به عنوان یک فعالیت و اشیایی مستقل باقی مانده و نگهداری می‌شده‌اند.



تصویر ۱: تاریخچه نگارش در فلات ایران (از حدود ۳۳۰۰ - ۱۸۵۰ ق.م)

ب. ۳۳۰۰ تا ۳۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م: فاز دوم؛ خط ایرانی قدیم (لوح‌های آغاز ایلامی)^۱

در حدود ۳۳۰۰ ق.م به صورت هم زمان در فلات ایران، جنوب میان‌رودان و همین‌طور مصر، دو نگارش خیلی نزدیک یعنی خط آغاز ایرانی و سیستم آغاز خط میخی میان‌رودانی، پیشرفت کردند.^۲ آن‌ها کمی از ویژگی‌های به ارث برده از فاز اول از جمله نشانه‌های عددی،^۳ سیستم شمارشی ذکر شده و بعضی نشانه‌های کمیاب نمادین را با هم به اشتراک گذاشتن. اما از دیگر جهات کاملاً تفاوت و واگرایی داشتند. این انفجار استثنایی از خلاقیت، سیستم نگارشی که در ایران تا آغاز هزاره دوم قبل از میلاد استفاده می‌شد را با ایجاد یک مجموعه کامل از ۱۵۰۰ نماد دستوری و ارزش آوایی، نگاهی انتزاعی و نشانه‌ها پایه گذاشت تا زمانی که سیستم عددی جدیدی برای شمارش اشیاء گسسته پیشرفت کرد و به وجود آمد: سیستم اعشاری (Desset, 2016: 93-95). در طول چند قرن استفاده از الواح خط آغاز ایرانی، بین سال‌های ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰-۳۰۰۰ ق.م، می‌توان تکاملی گرافیکی در نشانه‌ها را که در طول تاریخ آغاز نگارش ایرانی تا شروع هزاره دوم پیش از میلاد نیز ادامه داشت، در نظر گرفت. تقریباً ۲۵۰ تا ۳۰۰ نشانه به طور ویژه برای ثبت اسم افرادی که در نگهداری لوح‌ها دخیل بودند^۴ استفاده شده است که احتمالاً شامل نشانه‌هایی با آواهای مشخص بودند که بعد از فرایند بررسی نگارش آغاز ایرانی (آغاز ایلامی) می‌توان وجود منابع اندک و ضعیفی از این نشانه‌های خط آغاز ایرانی را تایید کرد اما خوانش خط آغاز ایرانی قدیم که بر اساس نشانه‌های رمزگشایی شده در خط ایرانی جدید است، در مقاله دیگری باید مورد مطالعه قرار گیرد. از ابتدا می‌توان مشاهده کرد که نشانه‌های صدا دار: M218:a, M96:e, M66:l, M371:u و M57/M57a:u (/o/) بیش از اندازه در اواخر خط آغاز ایرانی قدیم ارائه شده‌اند^۵، شاید برای تاکید بر یک آوا، (صوت بلند؛ مکمل آوازی). از این زاویه:^۵

M218:a به صورت مکرر قبل از: M4: la, M219: ta, M259/M263: ha, M223b: ra, M377/M377e: sa, M226ca: tu و M387: na آمده است.

M371:u2 به صورت مکرر قبل از: M9:zu, M347:pu (/u/) و M226ca: tu آمده است.

^۱ . رجوع کنید به: Dosset 2012& 2016: 1-91.

^۲ . در مورد این سوال؟ رجوع کنید به Desset, 2012: 63-81 و منحنی کالیبراسیون در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد؛ به احتمال زیاد تشخیص زمان و مکان دقیق نگارش برای اولین بار، غیرممکن است زیرا انتشار آن (یا انتشار ایده نوشتن) احتمالاً بسیار سریع رخ داده است. پس از اختراع آن، فقط در یک نسل (۲۵-۲۰ سال).

^۳ . در مورد توالی نشانه‌های انسان نام‌های آغاز ایرانی اولیه، Desset, 2012: 46-62 – 2016: 82-87 را ببینید.

^۴ . در این رابطه، شایان ذکر است که (Meriggi, 1971: 173- 174)، با وجود اینکه نمی‌توانست ماهیت آوازی این ۵ علامت را تعیین کند، متوجه شد که آن‌ها در نشانه‌های انسان‌شناسی اوایل بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفتند. الواح آغاز ایرانی (از جمله ۶ نشانه متداول در نوشته‌های اسم‌های خاص هستند؟) و به همین دلیل احتمالاً آوانگار بوده‌اند.

^۵ . در مورد این موضوع به Kervran, 2019 مراجعه کنید.



۵ / باستان پژوهی، دوره ۲۱، زمستان ۱۴۰۱



تصویر ۲: تاریخچه نگارش در فلات ایران (از حدود ۳۳۰۰-۱۸۵۰ ق.م.)

پ. ۲۳۰۰-۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م؛ فاز سوم؛ خط آغاز ایرانی میانی (فاز انتقالی)

در حدود ۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م.، الواح اداری/دفتری اولیه ایرانی به ظاهر وجود داشتند اما به دلیل نامشخص بر روی آن‌ها حکاکی صورت نگرفته بود. از زاویه دیدی بر اساس مستندات و مدارک، فاز نگارش ایرانی میانی بسیار ضعیف نشان داده شده و در حال حاضر شاید فقط ۴ مدرک به این بازه زمانی نسبت داده شود:

O: در محوطه «دانجن» (گورستان) از تپه شوش به دست آمده؛ این آوا 'O' نشان دهنده هر دو نگارش آغاز ایرانی قدیم و آغاز ایرانی جدید است.^۱

E-: تپه جنوبی مجموعه معماری «کنار صندل» یافت شد؛ این مدرک همچنان مشکل ساز باقی مانده و مقایسه بین فازهای مختلف نوشته‌های ایرانی قدیم و جدید هنوز به راحتی میسر نیست.

مدارک K و R که از آکروپل شوش به دست آمدند نشانه‌های بسیاری از خط ایرانی جدید را نمایش می‌دهند و بعضی از نشانه‌ها مثل:

ha یا me در K نشان‌دهنده نگارش قدیمی یا خط ایرانی قدیم هستند. K همیشه توسط «هاپکس‌ها» شخصیت می‌گیرد؛ شاید به این خاطر که در طول این جریان این آوا طرد شده و در متون ایرانی جدید دیگر از آن استفاده نمی‌شود.

در طول هزاره سوم ق.م در میان‌رودان، خط میخی آغازین تکامل یافت و شاهد گسترش معنایی و استفاده در زمینه نوشتن متون غیر اداری، کاهش تعداد نشانه‌ها^۱، افزایش آواسازی، استفاده از نشانه‌ها در قالب خط میخی و جهت‌گیری جدید ۹۰

^۱ در مورد نوشتن O، Scheil (1935: p. XIV) متوجه شد که "نشانه‌های کافی در اینجا واژگان اولیه ایلامی را به یاد می‌آورد و با این حال با توجه به ابعاد سند، متوجه می‌شویم که حاوی علائم جدید بسیاری است." در حالی که Meriggi (1971: p. 185)، پیشنهاد می‌کرد که O را متعلق به مرحله انتقال بدانیم. همچنین رجوع کنید به: (Steve 2000: p. 75) و (Hinz 1969: p. 27).



درجه‌ای خلاف جهت عقربه‌های ساعت برای نشان دادن نشانه‌هایی با ارزش غیر عددی هستیم. در حدود ۲۵۰۰ ق.م، خط میخی از مرکز تاریخی خود «میان‌رودان» به سمت سوریه، جایی که در «ماری» کشف شد، تل بیدر و ابلا شروع به گسترش کرد. با توجه به موقعیت، در فاز خط ایرانی جدید، احتمالاً یک تکامل موازی برای خط ایرانی میانی که مدارک ضعیفی از آن موجود است، می‌تواند بازسازی و مشخص شود توسط: - کنار گذاشتن تکامل خواهانه تمام نشانه‌های ارزش لوگوگراماتیک در زمانی که سرنوشت نشانه‌های ارزش عددی و سیستم شمارشی که قبلاً تایید شده‌اند، نامشخص باقی می‌ماند. - کاهش تعداد نشانه‌های ارزش آوایی که از تعداد ۲۵۰ تا ۳۰۰ نشانه در آغاز این فاز به کمتر از ۱۰۰ نشانه در اواخر آن در حدود ۲۳۰۰ ق.م تقلیل پیدا کرد؛ این کاهش نشانه‌های آوایی، احتمالاً در اثر تمریناتی تاثیرگذار در سیستم نوشتاری توسط کاتبان و اولین تلاش‌ها برای منطقی‌تر کردن و استاندارد کردن خط صورت گرفت.

- فرایند منطقه‌ای شدن؛ با وجود اینکه وجود لوح‌های آغاز ایرانی (پروتو ایرانی)، هم اکنون (۲۰۲۲) در جنوب غربی (شوش، تل گسر و تل ملیان) و جنوب شرقی ایران (تپه یحیی و شهر سوخته) و هم چنین در بخش‌های شمال مرکزی (دشت قزوین، تپه ازبکی، دشت تهران و ورامین، تپه سفالین و دشت کاشان/ تپه‌های سیلک) در فلات ایران ثابت شده است، بعضی از تفاوت‌های منطقه‌ای بین این محوطه‌ها در سیستم‌های متنوع شمارشی و عددی در تپه یحیی و تپه سفالین قابل مشاهده است؛ همچنان که توالی‌های انسان‌شناسی خط ایرانی قدیم در تپه یحیی با نام‌هایی که در شوش و تل ملیان ثبت شده است، تفاوت زیادی دارد.

در حدود ۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م شمال مرکزی ایران ترک شد و در طول هزاره سوم قبل از میلاد چنین باقی ماند؛ فارس (به ویژه شرق آن)، فرایند گسترده‌ای از شهرزدایی را تجربه کرد (انتقال کفتری).^۲

این مسئله باعث به وجود آمدن دو حوزه فرهنگی مستقل شد؛ یکی دشت شوشان (خوزستان) که به منطقه میان‌رودان و زاگرس غربی مرتبط‌تر بود و دیگری کرمان/جنوب شرقی ایران که به منطقه شمال شرق ایران، مکران و دیگر مناطق خلیج فارس مرتبط می‌شد. فاز نوشتاری خط ایرانی میانی، در خوزستان و کرمان حفظ شده بود و فرایند تنوع منطقه‌ای در متون خط ایرانی قدیم بین شوش/تل ملیان از یک طرف و تپه یحیی از طرفی دیگر مشاهده شده است که احتمالاً در فاز خط ایرانی میانی هم ادامه یافته و به سمت خلق دو ناحیه با سنت‌های متفاوت، جنوب غربی و جنوب شرقی شده است که به صورت واضح در متون ایرانی جدید قابل تشخیص می‌باشد.

نوشته‌های خط ایرانی میانی، مرحله مهمی از پیشرفت خط ایرانی قدیم را نشان می‌دهند و نیاز خیلی فوری و مداوم به جمع آوری مدارک دارد. کاوش‌های جدیدی که در حال بررسی نواحی جیرفت و شوش در هزاره سوم ق.م هستند، می‌توانند به پر کردن شکاف بین خط ایرانی قدیم و جدید کمک کنند.

^۱ . از حدود ۲۰۰۰ نشانه در حدود ۳۳۰۰-۳۰۰۰ قبل از میلاد (مرحله اوروک IV/III)، تا حدود ۹۴۰ نشانه در حدود ۲۸۰۰ قبل از میلاد، حدود ۸۰۰ نشانه تا حدود ۲۶۰۰ قبل از میلاد (دوره فرا) و ۶۰۰ نشانه پس از آن (Gelb 1963: 115 and Steve 1992: 3) در چین، فرایند ساده‌سازی و استانداردسازی فیلمنامه توسط شورای بزرگ لی سی در سال ۲۱۳ قبل از میلاد انجام شد. او به ویژه دستور داد که همه کتاب‌ها به جز آرشیو کین، سوزانده شوند تا کنترل دولت شین تثبیت شود (Kelly, 2007: 21).

^۲ . میلر و سامنر ۲۰۰۳ را ببینید، برای یک شغل جزئی که در تل ملیان در مرحله انتقال بانس/کفتری ادامه داشت.



آخرین موضوع که اهمیت بسیاری هم دارد ظهور خط «ایندوس» در این فاز و در حدود ۲۶۰۰ ق.م است که تا قبل از اینکه در منطقه ساحلی خلیج فارس، جنوب ایران و میان‌رودان و همچنین آسیای مرکزی منتشر شود، در مرکز دره «ایندوس» استفاده می‌شد.^۱

ت. ۲۳۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م؛ فاز چهارم: خط ایرانی جدید (پیش از اتخاذ خط میخی توسط «هتیتی» زبانان)

خط آغاز ایرانی مرحله سومی از توسعه را نیز نشان می‌دهد. خط ایرانی جدید یا همانطور که قبلاً ذکر شد، نوشتار ایلامی سطری احتمالاً فرایند کاهش علائم و نشانه‌ها در این مقطع به پایان خود نزدیک و به ۸۰/۷۰ نشانه منتهی می‌شود؛ همانطور که رمزگشایی‌ها به ما نشان می‌دهند، شاهد یک شبکه آوایی شامل ۵ نشانه مصوت، ۱۲ صامت و ۶۰ نشانه هجایی مرتبط (ترکیب صامت و مصوت) هستیم. مدارک مربوط به این فاز به وفور در قرون ۲۳-۲۲ و ۲۱ ثبت شده است:

- برای فرهنگ غرب (شوش و فارس): نوشته‌های پوزور- شوشینک در شوش (قرن ۲۲ ق.م) و ظرف نقره‌ای مرودشت (قرن ۲۱ ق.م).

- برای فرهنگ شرق (کرمان): کتیبه‌های شهداد، سه لوح از «کنار صندل» و همچنین احتمالاً متون مربوط به ظروف فلزی که اثبات نشده است.

سنت‌های شرقی و غربی، احتمالاً به محض اینکه متون اولیه ایرانی کاملاً شکل گرفتند از هم جدا شدند. اگر بیشتر نشانه‌ها و علائم در هر دو سنت رایج بودند اما چندین نشانه نیز کاملاً از هم متفاوت بودند:

(i, h, hi, k, ki2, li2, me, n, ne, ni, pi2, ru2, s, te, tu, wa and ze).

با گسترش تجارت در خلیج فارس، خط «ایندوس» توسط این بزرگراه تجاری دریایی به بسیاری از نواحی خاور نزدیک راه پیدا کرد. ظاهراً، یکی دیگر از سیستم‌های نوشتاری در «کرمان» به وجود آمد: سیستم نوشتاری «هندسی» که هم اکنون تنها به وسیله سه لوح، از دو کتاب مقدس با خط جدید ایرانی/هندسی که در نزدیکی جنوب «کنار صندل» یافت شده‌اند، ثابت شده است (Desset, 2014). این فاز به وسیله گسترش خط میخی در خوزستان در حدود ۲۳۰۰-۲۲۵۰ ق.م با الحاق شوش به آکدی‌ها شناخته و مشخص می‌شود.

^۱ . تا به حال، خط ایندوس پیدا شده است (از آندریاس فولز و مجموعه تعاملی متون ایندوس، برای کمک در ایجاد این فهرست تشکر می‌کنیم: - در هسته تمدن دره سند: در Bhir-rana, Banawali, Bala-kot, Bakkar Buthi, Amri, Allahdino, Alamgirpur, Gola, Gharo Bhira, Ganweriwala, Farmana, Dholavira, Desalpur, Daimabad, Chanhujo-daro, Chandigarh, باگاسرا، گوملا، هاراپا، هیسام دهری، هولاس، جوکار، کالیبانگان، کانمر، خیرسارا، کوت-دیجی، لاکان-جودارو، لوهومجودارو، لوتال، موهنجودارو، نارو-وارو-دارو، ناوشارو، نیندواری-دامب، نوهاتو، پابومات، پیراک، راجانپور، راخیگاره‌ی، رحمان-دری، رودجی، روپار، سور کوتادا، تارکانوالا-درا، و واتووالا. - در آسیای مرکزی: آلتین دپه، گونور دپه و شور توغای. - در ایران: شوش، تپه یحیی و لرستان. - در خلیج فارس: در فیلکه، حجر، جنبیه، کرزکان، قلعه البحرین، رأس الجنیز، سار و صلوات. - در میان‌رودان: در گیرسو، کیش، نیپور، تل السلمه، به امه، تلوه و اور.



ش. ۲۰۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م فاز پنجم: خط ایرانی جدید (همراه با اتخاذ خط میخی از سوی «هتمتی»

زبانان)

در حدود ۲۰۰۰ ق.م خط میخی میان‌رودانی با سرعت به گسترش جغرافیایی خود از شمال سوریه تا آناتولی^۱، از میان‌رودان تا زاگرس غربی و خلیج فارس و از خوزستان به فارس ادامه داد (وجود مدارک مربوط به خط میخی در تل ملیان نیز اثبات شده است). محتمل است که در این بازه، خط میخی به عنوان سیستم نگارش و ثبت و ضبط برای زبان "هتمتی" در جنوب غربی (همزمان و همراه با نوشته‌های ایرانی جدید به عنوان سنت محلی) اتخاذ شده باشد؛ در آغاز یک دوره انتقالی از ۲۰۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م، هر دو نوع نگارش برای ثبت زبان «هتمتی» کافی بودند. این نکته جالب است که در بین ۱۸ ظرف با کتیبه «کونانکی» که در حال حاضر شناخته شده و به حاکمان سلسله‌های «شیماشکی» و «سوکال‌مخ» نسبت داده شده‌اند، از «کینتاتو» تا «پالا-ایشان» بین ۲۰۰۰ تا ۱۸۵۰ قبل از میلاد (Desset et al. forthcoming):

۵ تا از آن‌ها به زبان سومری یا آکدی هستند که با خط میخی ثبت شده‌اند.

۱۳ تا از آن‌ها به زبان «هتمتی» هستند که ۲ تا از آن‌ها با خط میخی و ۱۱ تا با خط ایرانی جدید نوشته شده‌اند.

در سنت غربی، تحولی گرافیکی بین متون پوزور-شوشیناک (قرن ۲۲ ق.م) و متون قرن ۲۱ ق.م از طرفی و مجموعه "کم فیروز کونانکی" (قرن ۲۰ ق.م)^۲ از طرف دیگر، که بر اساس کم‌ترین نشانه‌ها تحولات آن‌ها ثبت شده است کاملاً واضح است. نشانه‌هایی مثل:

(h, k2, ki2, l, m, me, n, ri, ru→ru2, u, wa, za and ze)

هنوز هم، زمانی که تحولات گرافیکی خط آغاز ایرانی را در طول سه فازی که مورد استفاده قرار گرفته است و نشانه‌های خط آغاز میخی/میخی را از ۳۰۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م با هم مقایسه می‌کنیم، مشخص است که نوشتار ایرانی به خصوص در سنت شرقی با نوعی محافظه‌کاری همراه است؛ در واقع تغییرات بسیار اندکی در ظاهر گرافیکی علائم قابل مشاهده است (در واقع اکثر علائم از ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م تغییری نکرده‌اند). علائم خط آغاز ایرانی جدید در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد، نسبت به انحنایی که علائم خط میخی "بابل قدیم"، (که برای سرعت بیشتر در ثبت و ضبط بر روی گل به کار گرفته شده بود)، نشان می‌دهد بسیار متفاوت هستند. این گرایش گرافیکی محافظه‌کارانه، در سیر تحول درونی خط میخی در ایران نیز قابل درک است و بعد از به کار گرفته شدن آن در ۲۳۰۰ تا ۲۲۵۰ ق.م، ظاهر علائم در همان حالت قدیمی خود از زمان "آکدی قدیم" برای قرن‌ها باقی ماند.

ج- پس از ۱۸۵۰ ق.م فاز ششم: ناپدید شدن خط آغاز ایرانی

در حدود ۱۸۵۰ ق.م، دوره انتقالی بین سنت غربی نگارش آغاز ایرانی و استفاده از خط میخی برای ثبت زبان "هتمتی" پایان یافت. به نظر می‌رسد خط آغاز ایرانی در قرن ۱۹ ق.م کاملاً کنار گذاشته می‌شود؛ این احتمالاً به دلیل رشد واضح

^۱. کاتبان هیتی که احتمالاً از شمال سوریه آمده بودند، برای قضاوت از روی شکل علائم، خط میخی را حدوداً اقتباس کردند: ۲۰۰۰ قبل از میلاد احتمالاً در جاهایی مانند (Kaneš (Rubio 2007: p. 45-48 and van den Hout 2007).

^۲. در مورد پیکره kunanki و Desset 2018، Desset et al.



خط میخی در بین کاتبان "هتتمتی" بوده است (همانطور که کتیبه‌های خط میخی "هتتمتی" مربوط به "سیر-اوکتوه" و "سو-پالار-هوهپاک" در اواخر قرن ۱۹ ق.م و اوایل قرن ۱۸ ق.م به ما این موضوع را نشان می‌دهند).

کمابیش به طور همزمان (حدود ۱۸۵۰-۱۸۰۰ ق.م)، بخش شرقی خاور نزدیک باستان با فروپاشی شهری بی‌سابقه‌ای مواجه شده و شهرها ترک می‌شوند (پایان مرحله بلوغ خراسان بزرگ/تمدن اکسوس، پایان تمدن "ایندوس" و فروپاشی شهری در تمام شرق ایران) که احتمالاً ناپدید شدن سنت شرقی خط آغاز ایرانی جدید و متون "ایندوس" را توضیح می‌دهد. تأثیرگذاری خط میخی میان‌رودان در جنوب غربی ایران و فروپاشی شهری در شرق ایران به طور همزمان، به عصر امکانات برای نوشتن در خاور نزدیک پایان داد. به جز سیستم هیروگلیف لووی در اواسط هزاره دوم ق.م در آناتولی و نوآوری‌های الفبایی در نیمه دوم هزاره دوم ق.م در لوانت، خط میخی می‌تواند تا ۱۰۰۰ سال دیگر باقی مانده و تسلط داشته باشد.

انتشار خط میخی در خوزستان (دشت شوشان) در حدود ۲۲۵۰ ق.م و در فارس در حدود ۲۰۰۰ ق.م، راه را برای موفقیت سیستم نگارشی برگرفته شده از غرب که در قلمرو ایران استفاده می‌شد و بعد از آن هم خط میخی، الفبای یونانی، الفبای مشتق از آرامی (پارتی، پهلوی، اوستایی)، الفبای مشتق شده از عربی و الفبای لاتین (علت پدیده فینگلیش امروزی) باز کرد. در نتیجه، پس از ۱۸۵۰ ق.م، سیستم‌های نگارشی که در ایران استفاده می‌شوند دیگر نمی‌توانند ایرانی باشند؛ به معنای واقعی کلمه، این آفرینش و دستاورد جوامعی است که این قلمرو را اشغال کردند.

کتاب شناسی:

Desset, F. 2012 *Premières écritures iraniennes: les systèmes proto-élamite et élamite linéaire*, Series Minor n° 76, Dipartimento di Studi Asiatici, Università degli Studi di Napoli «L'Orientale», Naples.

.....2014 "A new writing system discovered in 3rd millennium B.C.E. Iran: the Konar Sandal 'geometric' tablets", *Iranica Antiqua* 49, pp. 83-109.

.....2016 "The Proto-Elamite writing in Iran", *Archéo-Nil* 26, pp. 67-104.

.....2017 "Here ends the history of «Elam»: toponymy, linguistics and cultural identity in Susa and south-western Iran, ca. 2400-1800 B.C.", *Studia Mesopotamica* 4, pp. 1-32.

.....2018 "Nine Linear Elamite texts inscribed on silver 'gunagi' vessels (X, Y, Z, F', H', I', J', K' and L'): new data on Linear Elamite writing and the history of the Sukkalmah dynasty", *Iran* 56/2, pp. 105-143.

Desset, F., et al. 2022 "The decipherment of Linear Elamite writing", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie* 112/1, pp. 11-60.

forthcoming *Linear Elamite inscriptions and related cuneiform related texts*, OrientLab Series Maior, Ante Quem editor, Dipartimento di Storia Culture e Civiltà dell'Università di Bologna.



- Englund, R. K. 2004 The state of decipherment of proto-elamite, The first writing: script invention as history and process, S. Houston (ed.), Cambridge University Press, pp. 100-149 (<http://cdli.ucla.edu/staff/englund/publications/englund2004c.pdf>).
- Gelb, I. J. 1963 A study of writing (revised edition), Phoenix books, The University of Chicago Press.
- Glassner, J.-J. forthcoming Antérieurement à l'Uruk V: la première écriture en Mésopotamie?
- Grillot, F. 2008 L'élamite, éléments de grammaire, Geuthner, Paris.
- Hinz, W. 1969 Eine neugefundene altelamische Silbervase, Altiranische Funde und Forschungen, Walter de Gruyter, Berlin, pp. 11-44.
- Kelly, J. 2007 "Writing and the State: China, India and general definitions", Margins of writing, origins of cultures, edited by S. L. Sanders, Oriental Institute Seminars, n° 2, The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago, pp. 15-32.
- Kervran, M. 2019 Etude du syllabaire proto-élamite.
- Meriggi, P. 1971 La scrittura proto-elamica, parte 1: La scrittura e il contenuto dei testi, Accademia nazionale dei Lincei, Rome.
- Miller, N. F. & W. M. Sumner. 2003 "The Banesh-Kaftari interface, the view from operation H5, Malyan", Iran 41, pp. 8-19.
- Reiner, E. 1969 "The Elamite language", Altkleinasiatische Sprachen, E. J. Brill, Leiden/Cologne, pp. 54-118.
- Rubio, G. 2007 "Writing in another tongue: alloglottography in the Ancient Near East", Margins of writing, origins of cultures, ed. S. L. Sanders, Oriental Institute Seminars, n° 2, The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago, pp. 33-70.
- Scheil, V. 1935 "Textes de comptabilité proto-elamites", Mémoires de la Mission Archéologique de Perse 26.
- Steve, M.-J. 1992 Syllabaire élamite, histoire et paléographie, Civilisations du Proche-Orient, série II, philologie vol. 1, Recherches et publications, Neuchâtel - Paris.
- 2000 Le syllabaire proto-élamite linéaire, Des signes pictographiques à l'alphabet: la communication écrite en Méditerranée. Actes du colloque, 14 et 15 mai 1996, villa grecque Kérylos, fondation Théodore Reinach (Beaulieu-sur-Mer), Karthala et Association alphabets, pp. 73-86.
- Van den Hout, T. 2007 "Institutions, vernaculars, publics: the case of second-millennium Anatolia", Margins of writing, origins of cultures, ed. S. L. Sanders, Oriental Institute Seminars, n° 2, The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago, pp. 221-262.
- Yakubovich, I. 2015 "Anatolian hieroglyph writing", Visible language, inventions of writing in the Ancient Middle East and beyond, ed. C. Woods, Oriental Institute Museum Publications, no. 32, The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago, pp. 203-207.

